

## چکیده

**مقدمه:** در طی چند سال گذشته در جوامع مختلف بحث‌های زیادی در مورد اهمیت مدیریت دانش صورت گرفته است. در سال‌های اخیر، سازمان‌ها و شرکت‌های مختلف پیوستن به روند دانش را آغاز کرده‌اند. در اقتصادهای دانش‌محور امروزی، دانش به عنوان منبع کلیدی محسوب می‌شود که باید همانند جریان نقدینگی، منابع انسانی و یا مواد اولیه مدیریت شود. مدیریت دانش برای آنکه قابل استفاده باشد، نیازمند هماهنگی با فرهنگ و ساختار سازمانی موجود می‌باشد. هدف از انجام این پژوهش، بررسی رابطه عوامل ساختاری و فرهنگی سازمان با استراتژی مدیریت دانش در مراکز آموزشی درمانی و عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران است.

**روش بررسی:** پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی مقطعی انجام شده است. جامعه پژوهش را ۲۰۰ نفر از کارکنان مراکز آموزشی درمانی و عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران تشکیل می‌دادند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود. داده‌های جمع‌آوری شده در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار رایانه‌ای SPSS و روش آماری توصیفی (جدول، میانگین، واریانس و ...) و با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن مورد تحلیل قرار گرفت.

**یافته‌ها:** نتایج حاکی از متوسط بودن وضعیت مدیریت دانش به دلیل رسمیت و تمرکز زیاد در ساختار سازمانی مراکز مورد پژوهش است. همچنین ضریب همبستگی نشان داد که بین ابعاد ساختاری و ابعاد فرهنگی سازمان و مدیریت دانش ارتباط معناداری وجود دارد بطوری که این ارتباط با تمرکز و رسمیت منفی و با جریان ارتباطات و تسهیم دانش و یادگیری مستمر مثبت است.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به همبستگی بین عوامل ساختاری و فرهنگی سازمان با مدیریت دانش و همچنین نقش دانش در کیفیت خدمات درمانی ارائه شده توسط مراکز، توصیه می‌شود در استقرار مدیریت دانش در مراکز درمانی به ابعاد ساختاری و فرهنگی سازمان توجه لازم و همه جانبه صورت گیرد و تا حد امکان با دادن آزادی عمل به کارکنان و عدم اعمال محدودیت‌های بیش از حد، فضا را برای ارتباطات همه جانبه و تبادل اطلاعات بصورت مداوم فراهم نموده و فرهنگ اعتماد را تقویت و حمایت کنند.

**کلید واژه‌ها:** ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، مدیریت دانش